

## موقعیت زن از دوران باستان تا بعد از انقلاب اسلامی

آیت شوکتی

عضو هیات علمی گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوی، خوی، ایران - shokati81@yahoo.com

### چکیده

در این مقاله با تکیه بر منابع کتابخانه ای و به روش فیش برداری با رویکرد توصیفی، ضمن پرداختن به شخصیت و جایگاه زن به عنوان بدنه ای از جامعه اسلامی، وضعیت زنان را در دوره باستان، در نقاط مختلف از جمله عربستان، یونان، هندوستان، چین، مصر، رم، آتن و اروپا بررسی کرده و با گذر از همه این توده ها به بررسی وضعیت زن در ایران باستان از مادها گرفته تا هخامنشیان و ساسانیان پرداخته است. بعد با استناد به آیات قرآن و بررسی آن در صدر اسلام، نشان داده شده که در دوران قبل از انقلاب مشروطه و دوران قاجار، زنان حتی از امکانات تحصیل نیز برخوردار نبودند و ادامه این وضعیت در دوره پهلوی بررسی شده است. در این راستا، فعالیت های سیاسی بانوان قبل از انقلاب مشروطه، مبحثی دیگر را به خود اختصاص داده که طغیان علیه قرارداد رژی و اقدامات زنان تبریزی و شیرازی، از اهم اقدامات بود. سپس به بررسی موقعیت اجتماعی زنان در دوران انقلاب مشروطه پرداخته شده و نقش زنان در جنبش مشروطه با ایجاد انجمن های مخدرات وطن و انجمن آزادی زنان و ... محرز گردیده و در ادامه، ضمن بررسی این موضوع در دوران قبل از انقلاب، دگرگونی وضعیت زنان بعد از انقلاب اسلامی در عرصه اجتماعی مطرح شده و نشان داده شده که در نظام جمهوری اسلامی، زنان همدوش مردان در امور اجتماعی دخیل اند. در نهایت برای تغییر وضعیت زنان جهان، راه حل ها و پیشنهادهای ارائه شده است.

### کلید واژه:

زن، ایران باستان، دوره قاجار، دوره پهلوی، انقلاب مشروطه، انقلاب اسلامی

### مقدمه

موضوع زن، به عنوان بدنه ای از جامعه ای انسانی، به همان پایه، قابل بررسی و ژرف نگری است که انسان، شایسته شناخت و بررسی است و هرگونه تحلیل و بررسی ابعاد حیات زن، منتهای ویژگی های صنفی و جنسی، در واقع، تحلیل حیات انسان به شمار می آید. از این رو شناخت زن و منزلت و مقام او در حقیقت، شناخت انسان و کرامت اوست. بنابراین مطالعه در احوال زن و بررسی ابعاد حیات این بخش از جامعه انسانی، گامی در راستای انسان شناسی عمومی است.

برترین و محوری ترین انگیزش و خواهانی انسانی زن، چه در قلمرو روانشناختی فردی و چه در قلمرو جامعه شناختی، ترقی و تعالی است. تئوری های توسعه ای زنان، همان انواع گفتمان های ترقی برآمده از همان خواهانی است. گفتمان دین شناختی ترقی زنان، از سنت و زندگانی بانو فاطمه زهرا (ع) قابل استنباط است؛ گفتمان مزبور می تواند در قالب مکتب تعالی روانشناختی و توسعه پایدار انسانی، با نگاه به امر توسعه ای زنان، سامان پذیرد. (Radpoor, 1998. p3)

مسأله ای انسان شناسی در خلقت زن، مأموریت زن و نقش زن در حیات انسانی و تفاوت های او با مرد و همچنین تفاوت دیدگاه اسلام با بینش غربی در این موارد، برای طراحی نظام تعلیم و تربیتی که باید متناسب با خصوصیات ذاتی و فطری دختران چه از لحاظ فیزیکی و چه از جهت عاطفی باشد، امری ضروری و اجتناب ناپذیر است. حال غرب از یک طرف با طرح شعارهای فریبنده مثل آزادی زن و دفاع از حقوق زن، در میان ملت های جهان، داعیه عدالت خواهی و ظلم ستیزی دارد و از سوی دیگر، سخت ترین و بیشترین ستم ها را بر پیکره زن وارد می سازد. ( Zahedi, 2003. P124 )

جامعه ای انسانی از دو جنس زن و مرد تشکیل شده است. زنان نیمی از جمعیت انسانی جامعه را تشکیل می دهند اگر نقش و جایگاه انسانی را بعنوان اساس و محور توسعه پذیرفته باشیم، بنابر این باید نقش و جایگاه زن را نیز به عنوان نیمی از جمعیت انسانی جوامع در توسعه پذیرا باشیم. ( Safiri, 2003. P167 ) « اگر قبول داشته باشیم که زنان نیمی از جمعیت اجتماع را شامل می شوند، پس باید اعتراف کنیم که نصف موفقیت های جامعه را از ابعاد مختلف می توان از زنان جامعه انتظار داشت. قبلا تصور مردم در مورد زن، دیدی پست و بی ارزش بود و به زن فقط از بعد فردی و آن هم در محدوده خانه توجه می کردند، اما بعدها زن وارد اجتماع شد و توانست همپای مردان جامعه در قبال صفت شیر مردان، عنوان شیر زن را به خود اختصاص دهد. در جریان رشد و بالندگی، زن ایرانی از گذرگاههای تیره ای عبور کرده است تا بتواند هویت خویش را با نوشته هایش به ثبت برساند.» ( Shokati, 2010. P30 )

اگر زن از ایفای نقش اجتماعی محروم شود، از رشد اجتماعی او کاسته می شود و جامعه ای که زنان آن از رشد فکری و اجتماعی